

تُسرح آزمانس : خسوف و دران بر بر ه نساسی زمین روی سطح رئین شده ی مده لتوسطنور نورنسر)ی افته

و تازمان مرخس ماه عنصن ما من فرنسي (١) ابن بريو هادامه دارد . براى انجام ابن ١ راسراً مل منه خور (كخورسر است)

ر الزفة دسيس نورآن را روى مسم لليرى لمان) مى اندازىم. سىس مسم كورىيلى را بىن منبع نور وصبع مرابى ده

مشامده می لنیم نه رسامی محسم لد/ (زمین) دوی مسم دار (ماه) ی لنستر . این مر برد رافسوف لونیم . اما ناستر

النماسة تدان بسره وربارك زمين (ما دور بارسم ماه مدري ولات است) معفدى دو منع نور و ماه را م ساء

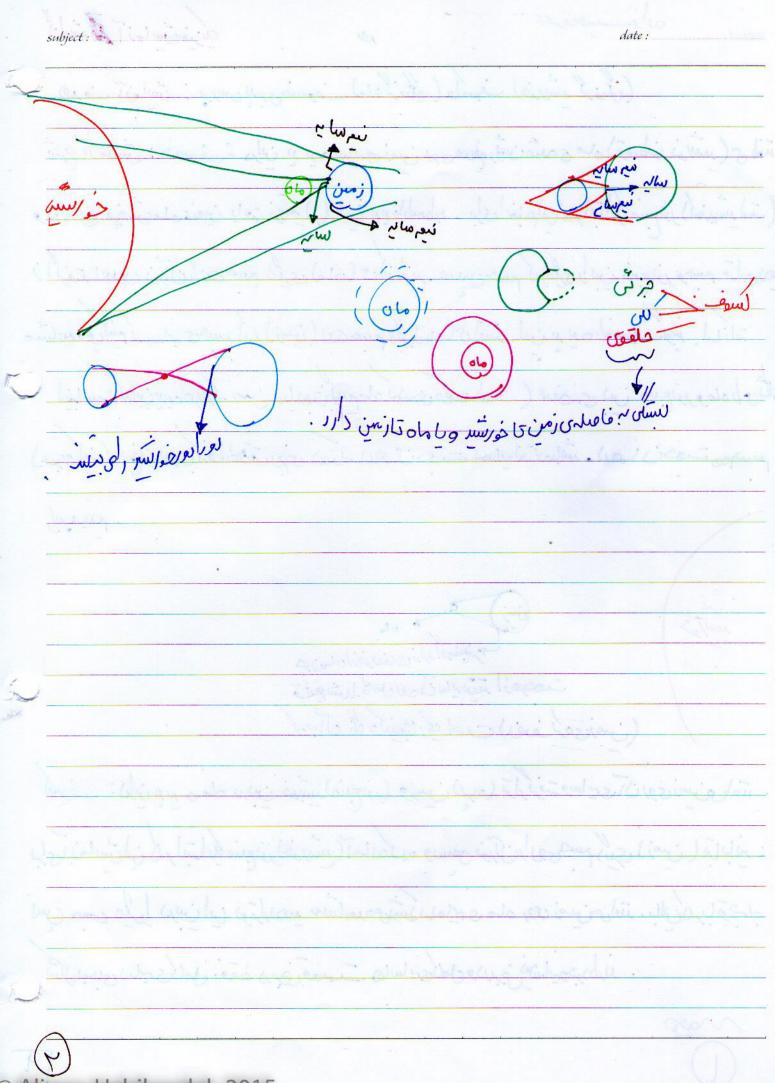
رعبوران) نظر المفقل وقد من المعلى معرب المعلى المعلى المعان معد معدمهم

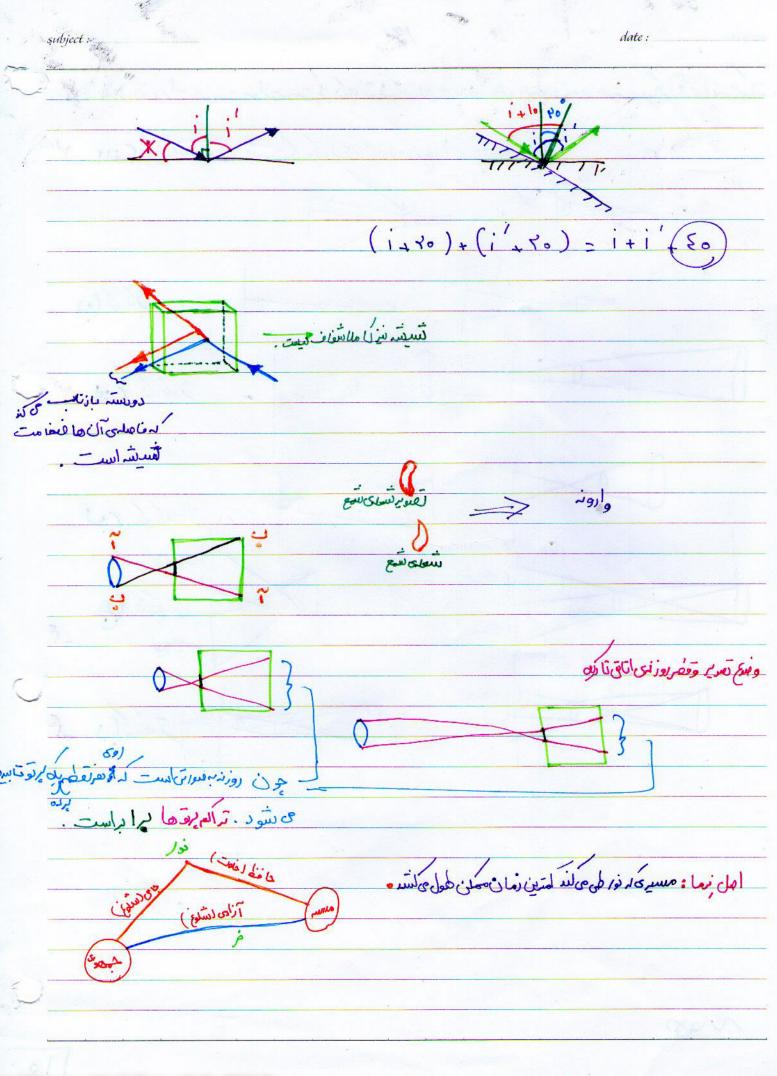
کسوف : دراین بریر و ماه درمین خورتسد (منبعزر) و زسین (برده) مرار گرفت و سایری آن روی زمین هافته.

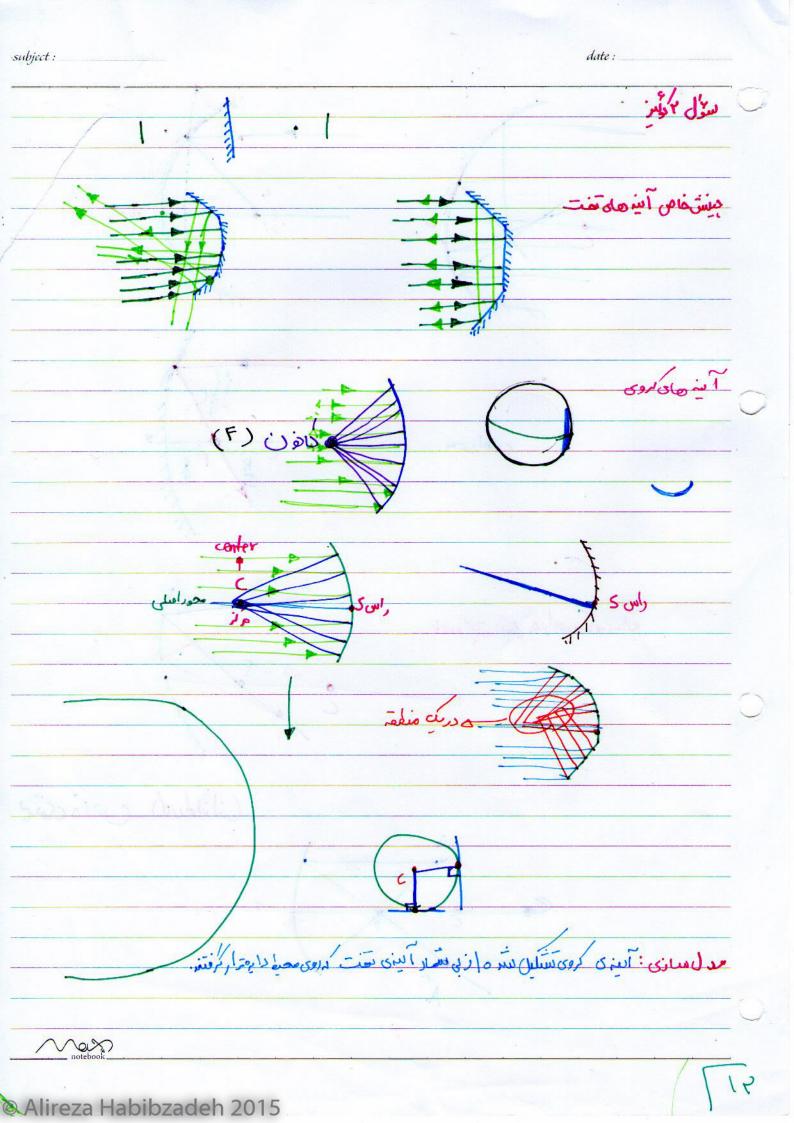
برای آنه است این کار اسرا به منبع نور لفررسی آماده در و دسس نوران را روی صنع رئیری (زمین) مها بانس

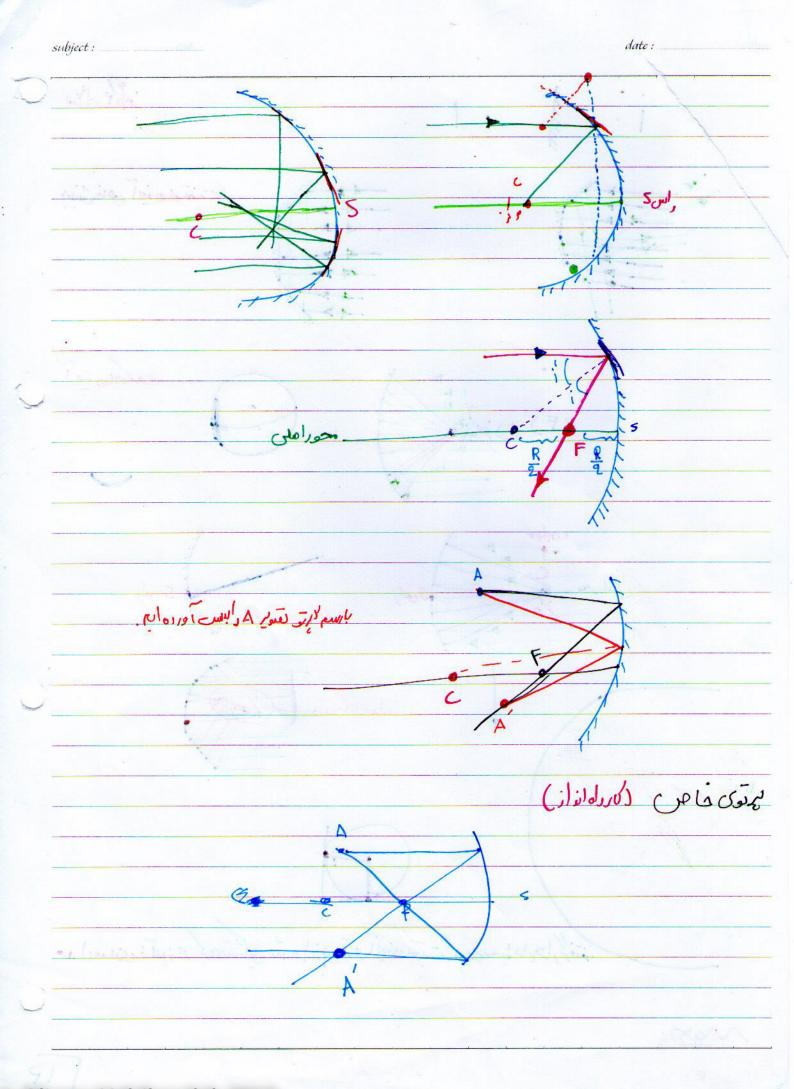
لس مسی دار درس این دوراددمی مسامره و شور درسایم ی ماه روی زمین صافت بااین در با قرصب

سكل بدى ساب ى كامل . فقط در برخى قسمت هاسا يى كامل و در برخى في ايروجود دار ند









subject: مرين لافيزيه 1 مايرنزن تراست زير امنع كحصة از عسم در است. يدي يركوها به شلى زيراند: ٧_الف) سايديز رُك راز حسم است زير ابرقها به نسلل زير (نر. ب سايمبرابرما سطح روبه برده ميم لازي تسور (حتى الردول (in winitial) ج) دوعالت دارد با کورم ر آسکیل می شورا کل مشلیل ١ الشكر الم را وعد السلا ي سود ا

